

## The criterion of essential accident in the thought of Mohaghegh Isfahni and Allameh Tabatabai

Mohammad Ali Esmaili \*

Mehri Changi Ashtiyani \*\*

### Abstract

The criterion of the essential accident, which has a direct role in the division of sciences, has been discussed since a long time ago, and various views have been presented about it. In this regard, Sheikh Mohammad Hossein Gharavi Esfahani and his student Allameh Tabatabai, while benefiting the legacy of the predecessors, have analyzed the prominent view among logicians and presented deep reflections. The present study attempts to organize, describe, compare, and evaluate these two views using their different works with the descriptive-analytical method. The present paper made it clear that Mohaghegh Isfahani distinguishes between the definition and the making in the issue of distinction of sciences, and considers the criterion of distinction of sciences as "subject" in the definition and "purpose" in the making; thus, while criticizing the famous view among logicians and considers it "accident" in its making. Also, by criticizing the view of Mohaghegh Khorasani and the prominent view among the logicians, he considers the criterion of the essential accident to be "the negation of conventional mediating in occurrence". Allameh Tabatabai distinguishes between discursive knowledge and non-discursive knowledge and considers the assignment of predicates to essential accidents as characteristic of discursive knowledge and, although, the necessity of the certainty of the premises of an argument. Then, under this characteristic, he defines the characteristics of essential accidents. Finally, despite the accuracy of these two views, some shortcomings regarding them have been discussed in this paper.

**Keywords:** Essential accident, Non-essential accident, Mediator in subsistence, Mediator in occurrence, Mohagheg Isfahani, Allameh Tabatabai.

---

\* PhD student in Islamic Philosophy, Al-Mustafa International Research Institute, Qom, Iran (Corresponding Author). mali.esm91@yahoo.com

\*\* Assistant Professor, Faculty of Teaching Islamic studies, Shariati Technical and Vocational University, Tehran, Iran. mehrichangi@yahoo.com

Date of Receive: 2022/09/19

Date of Accept: 2022/11/14

## معیار عوارض ذاتی در اندیشه‌ی محقق اصفهانی و علامه طباطبایی

محمدعلی اسماعیلی\*

مهری چنگی آشتیانی\*\*

### چکیده

معیارشناسی عوارض ذاتی که نقش مستقیمی در مرزبندی دانش‌ها دارد، از گذشته‌ی دور مورد گفتگو بوده و درباره‌ی آن دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است. در این میان، شیخ محمدحسین غروی اصفهانی و شاگردش، علامه طباطبایی، ضمن بهره‌گیری از تراث پیشینیان، به تحلیل و ارزیابی دیدگاه مشهور میان منطق‌دانان پرداخته، تأملات ژرفی ارائه کرده‌اند. جستار حاضر می‌کوشد با روش توصیفی-تحلیلی، این دو دیدگاه را با استفاده از آثار مختلفشان تنظیم، تقریر، مقایسه و ارزیابی کند. از رهگذر این نوشتار آشکار می‌شود که محقق اصفهانی در مسأله‌ی تمایز علوم، میان مقام تعریف و جعل، تفکیک کرده، ملاک تمایز علوم در مقام تعریف را «موضوع» و در مقام جعل، «غرض» می‌داند؛ چنان‌که ضمن نقد دیدگاه مشهور میان منطق‌دانان و نیز نقد دیدگاه محقق خراسانی، معیار عارض ذاتی را «نفی واسطه در عروض عرفی» می‌داند. علامه طباطبایی میان علوم برهانی و غیربرهانی تفکیک کرده، تخصیص محمولات به عوارض ذاتی را ویژه‌ی علوم برهانی و مقتضای یقینی‌بودن مقدمات برهان می‌داند و براساس همین ویژگی، به ترسیم ویژگی‌های عارض ذاتی می‌پردازد. در این دو دیدگاه، علی‌رغم دقت‌های فراوان، برخی کاستی‌ها نیز وجود دارد که در مقاله‌ی حاضر بدان‌ها پرداخته‌ایم.

**واژگان کلیدی:** عرض ذاتی، عرض غریب، واسطه در ثبوت، واسطه در عروض، محقق اصفهانی، علامه طباطبایی.

### ۱. مقدمه

معیار مرزبندی دانش‌ها از گذشته‌ی دور و هم‌زمان با شکل‌گیری آن‌ها، در کانون بررسی قرار داشته و غالباً موضوعات علوم را نقطه‌ی تمایز آن‌ها قلمداد می‌کردند و مجموعه عوارض ذاتی موضوعات را تشکیل‌دهنده‌ی علم می‌دانستند (رازی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۶۱؛ طوسی،

\* دانشجوی دکتری فلسفه اسلامی، پژوهشگاه بین‌المللی جامعه‌المصطفی، قم، ایران (نویسنده مسؤؤل).

mali.esm91@yahoo.com

\*\* استادیار گروه مدرسی معارف اسلامی، دانشکده فنی دکتر شریعتی، تهران، ایران. mehrichangi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۸

### معیار عوارض ذاتی در اندیشه‌ی محقق اصفهانی و علامه طباطبایی ۳۵

۱۳۷۵، ج ۱، ص ۶۰). پیشینه‌ی این مسأله به ارسطو بازمی‌گردد، آنجا که فلسفه را عهده‌دار بررسی لواحق لذاته‌ی موجود بما هو موجود می‌داند (ارسطو، ۱۳۸۹، ص ۸۷) که همان اعراض ذاتی است (ابن‌رشد، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۹۸). در همین خصوص، فارابی اعراض ذاتی را محمولات برآمده از جوهر و طبیعت موضوع می‌دانست (فارابی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۷۵)، چنان‌که ابن‌سینا و شیخ اشراق نیز از تعبیر لواحق برآمده از ذات موجود بهره برده‌اند (ابن‌سینا، ۱۳۸۵، ص ۲۲؛ سهروردی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۶). در این میان، همواره درباره‌ی معیار عوارض ذاتی گفتگو و دیدگاه‌های مختلفی درباره‌اش ارائه شده است که در یک تقسیم کلی، به دو دسته منقسم می‌شوند: الف. دیدگاه‌هایی که با محوریت واسطه در ثبوت به تحدید عارض ذاتی پرداخته‌اند (ارسطو، ۱۳۸۹، ص ۸۷؛ رازی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۶۱؛ صدرالمآلهین، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۱)؛ ب. دیدگاه‌هایی که با محوریت واسطه در عروض شکل گرفته‌اند (سبزواری، ۱۳۷۲، ص ۳۳۱؛ اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۲۶).

در این میان، شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (۱۲۹۶-۱۳۶۱ق) در کتاب *نهایة الدرایة و الأصول علی النهج الحدیث* به بررسی معیار عوارض ذاتی می‌پردازد و در ارزیابی دیدگاه مشهور و محقق خراسانی، به صورت پراکنده، تأملات توجه‌برانگیزی ارائه می‌کند (اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۹؛ اصفهانی، ۱۴۱۸، ص ۱۹). چنان‌که سیدمحمدحسین طباطبایی (۱۲۸۱-۱۳۶۰ش) نیز در آثار مختلفشان، به‌ویژه رساله‌ی «البرهان» (طباطبایی، ۱۳۹۷، ص ۲۴۴)، «حاشیه‌ی کفایه» (طباطبایی، بی‌تا، ص ۵)، «تعلیق‌های اسفار» (طباطبایی، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۳۰) و *نهایة الحکمة* (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۰)، ضمن بررسی این مسأله، دیدگاه جدیدی ارائه می‌کند.

جستار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی می‌کوشد در گام نخست، دیدگاه‌های محقق اصفهانی و علامه طباطبایی را تنظیم و تقریر کند و در گام بعدی، ضمن مقایسه، به ارزیابی آن‌ها بپردازد؛ از این رو به این پرسش‌های پاسخ می‌دهد:

۱. معیار عوارض ذاتی در اندیشه‌ی محقق اصفهانی چیست؟
۲. معیار عوارض ذاتی در اندیشه‌ی علامه طباطبایی چیست؟
۳. مقایسه و ارزیابی این دو دیدگاه چگونه است؟

گفتنی است که تاکنون به مقاله‌ای برنخوردیم که به بررسی دیدگاه محقق اصفهانی پرداخته باشد، اما با این حال، مقاله‌هایی نزدیک به مسأله‌ی حاضر تولید شده که به‌اختصار گزارش می‌شود:

مقاله‌ی «تطور تاریخی نگرش‌ها در مسأله‌ی عوارض ذاتی از ملاصدرا تا محقق رشتی» با روش تاریخی، راه‌حل‌های چهار تن از اندیشوران (صدرالمآلهین، آقاحسین خوانساری، نراقی و محقق رشتی) را تقریر و ارزیابی می‌کند (ملایری، ۱۳۹۶). مقاله‌ی «سیر تطور الگوهای تمایز علوم در اندیشه‌ی متفکران مسلمان» پس از ارزیابی الگوی ارسطویی و الگوی

۳۶ فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، دوره ۲۲، سری ۴، زمستان ۱۴۰۱، شماره ۸۵، صص: ۳۳-۵۶

غایت‌محوری، رویکرد قراردادگرایی را بررسی می‌کند (مصطفوی‌فرد، ۱۳۹۵). مقاله‌ی «بررسی دیدگاه علامه طباطبایی و استاد مصباح‌یزدی درباره‌ی عوارض ذاتی»، با روشی عقلی-تحلیلی به بررسی و نقد دیدگاه علامه طباطبایی و استاد مصباح می‌پردازد (اسدپور و فیروزجایی، ۱۳۹۸). در دو مقاله‌ی نخست، دیدگاه محقق اصفهانی و علامه طباطبایی کانون بررسی نیست، گرچه در مقاله‌ی دوم به‌اختصار به برخی زوایای دیدگاه علامه اشاره می‌شود (مصطفوی‌فرد، ۱۳۹۵، ص ۱۳۳). در مقاله‌ی سوم، دیدگاه علامه طباطبایی و استاد مصباح مقایسه می‌شود. آنچه جستار حاضر را از این مقاله و مقالات همگن متمایز می‌کند، این است که این نوشتار اولاً دیدگاه محقق اصفهانی را که به‌صورت پراکنده در آثارشان مطرح شده، گردآوری می‌کند و با محوریت دو دیدگاه شاخص در تفسیر عوارض ذاتی، تنظیم و تقریر می‌کند؛ ثانیاً نگارنده پس از شرح دیدگاه‌های منطقی علامه طباطبایی در قالب شرح رساله‌ی برهان (اسماعیلی، ۱۳۹۷) و با اشراف نسبی بر زوایای مختلف دیدگاه‌شان، می‌کوشد آن را با بهره‌گیری از آثارشان گردآوری، تنظیم و تقریر کند؛ ثالثاً ضمن مقایسه، آن‌ها را ارزیابی می‌کند.

## ۲. واژه‌شناسی

### ۲.۱. عوارض ذاتی

سه واژه‌ی عارض، عرضی و عرض علی‌رغم برخی اشتراکات، تمایزات بنیادینی دارد که گاهی حتی برخی منطق‌دانان ژرفاندیش نیز از آن غفلت می‌شوند؛ از این‌رو بجاست که نسبت معنایی آن‌ها با یکدیگر بازگو شود.

عوارض، جمع عارض، مجموعه‌ی محمولاتِ عارض بر موضوع است. این واژه با دو واژه‌ی عرض و عرضی، علی‌رغم برخی اشتراکات، تمایز دارد: تفاوتش با عرض در این است که اولی، برخلاف دومی، قابل‌حمل بر موضوع است؛ از این‌رو اینکه قطب‌الدین رازی هنگام تعریف عارض، عرض را خارج از شیء و محمول بر آن دانسته (رازی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۶۱)، خلط میان این دو است. تفاوت عرضی با عرض نیز در همین نکته است؛ زیرا اولاً اولی، برخلاف دومی، قابل‌حمل بر موضوع است؛ زیرا عرضی لابشرط است، اما عرض بشرط لا (سبزواری، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۷۸)؛ ثانیاً عرض در مقابل جوهر است، اما عرضی در مقابل ذاتی. عرضی می‌تواند از سنخ جوهر باشد؛ ثالثاً عرض مفهومی نفسی است، اما عرضی مفهومی نسبی. بنابراین یک مفهوم می‌تواند نسبت به چیزی، عرضی و نسبت به دیگری، ذاتی باشد (ابن‌سینا، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۴۵). اما تفاوت عارض با عرضی، علی‌رغم اشتراک در مؤلفه‌ی پیشین، این است که دومی خارج از ذات موضوع، اما محمول بر آن است، برخلاف اولی که می‌تواند جزء ذات باشد؛ مانند حمل جنس یا فصل بر نوع.

علی‌رغم تمایز این سه واژه، گاهی میان آن‌ها خلط می‌شود؛ مثلاً در سخنان منطق‌دانان معمولاً به‌جای عرضی، از عرض عام و خاص، لازم و مفارق یاد می‌شود (سبزواری، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۷۸). چنان‌که در سخنان اندیشوران فراوان، گاهی به‌جای عوارض ذاتی، اعراض ذاتی گفته می‌شود (فارابی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۷۵؛ سهروردی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۶). برخی پژوهشگران نیز پنداشته‌اند که عارض در عوارض ذاتی، همان عرضی در مقابل ذاتی است و عوارض، محمولاتی غیر از جنس و فصل‌اند (معلمی، ۱۳۹۰، ص ۷۷). اما چنین پنداری صحیح نیست؛ زیرا حمل جنس یا فصل بر نوع، مصداق عارض بدون واسطه است که روشن‌ترین مصداق عارض ذاتی است که به تفصیل بررسی شده است (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۳۳-۳۴).

واژه‌ی ذاتی اصطلاحات متعددی دارد که ذاتی باب کلیات خمس (مقوم ذات)، ذاتی باب برهان، ذاتی در مقابل محمول بالضمیمه و ذاتی در مقابل غریب، مهم‌ترین آن‌هاست (رک. ابن‌سینا، ۱۳۷۵، ص ۵؛ طوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۹؛ حلی، ۱۴۳۰، ص ۳۶). از میان این‌ها، آنچه مدنظر ماست، ذاتی در مقابل «غریب» است. باین‌حال، در سخنان محقق اصفهانی میان دو اصطلاح اخیر خلط شده (اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۹) که توضیحش می‌آید.

## ۲.۲. واسطه در ثبوت، اثبات و عروض

در یک تقسیم، واسطه سه گونه است:

۱. واسطه در ثبوت. هرگاه ثبوت حکم برای موضوعی، معلول واسطه‌ای باشد، واسطه در ثبوت یا «حیثیت تعلیلی» نامیده می‌شود که در آن، اولاً ثبوت حکم برای موضوع ذوالواسطه حقیقی است، نه مجازی (سبزواری، ۱۳۷۲، ص ۳۳۱)؛ ثانیاً واسطه در خارج از ذات موضوع ذوالواسطه است، گرچه تقید بدان داخل در ذات موصوف است (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۷، ص ۱۹۷-۱۹۸)؛ ثالثاً حیثیت با متحیث تغایر دارد، زیرا اولی علت دومی است (فیاضی، ۱۳۹۰، ص ۵۲)؛ رابعاً حیثیت موجب تکثر ذات موضوع نمی‌شود، زیرا خارج از ذات موضوع است (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۷، ص ۱۹۸-۱۹۹).

۲. واسطه در اثبات. هرگاه ثبوت حکم برای موضوعی در عالم ذهن، نیازمند واسطه‌ای باشد، واسطه در اثبات یا واسطه در تصدیق نامیده می‌شود (ابن‌سینا، ۱۳۷۵، ص ۵۲؛ یزدی، ۱۴۱۲، ص ۱۱۲؛ سبزواری، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۲۸). ویژگی‌های پیش‌گفته برای واسطه در ثبوت، برای واسطه در اثبات نیز ثابت‌اند با این تفاوت که ظرف اولی خارج و ظرف دومی ذهن است.

۳. واسطه در عروض. اگر ثبوت حکم برای موضوعی، مقید به حیثیتی باشد که آن حیثیت حقیقتاً به آن حکم متصف می‌شود، به آن حیثیت واسطه در عروض یا حیثیت تقییدی گفته می‌شود که در آن، اولاً ثبوت حکم برای متحیث (ذوالواسطه) مجازی است، اما ثبوتش برای خود واسطه حقیقی است؛ ثانیاً حیثیت تقییدی و تحیث بدان، هر دو داخل در ذات موصوف

۳۸ فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، دوره ۲۲، سری ۴، زمستان ۱۴۰۱، شماره ۸۵، صص: ۳۳-۵۶  
است؛ ثالثاً حیثیت تقییدی موجب تکثر ذات موصوف می‌شود (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۷،  
ص ۱۹۷؛ سبزواری، ۱۳۷۲، ص ۳۳۱).

نسبت منطقی این‌ها این‌گونه است که واسطه در اثبات گاهی واسطه در ثبوت نیز هست  
که در این صورت، قیاس مفروض، برهان لمی است، اما گاهی چنین نیست که در این صورت،  
برهان انی است (ابن‌سینا، ۱۳۷۵، ص ۵۲). از سوی دیگر، هرگاه موضوعی واسطه در عروض  
نداشته باشد، می‌تواند واسطه در ثبوت داشته باشد؛ مانند حمل موجودیت بر وجود امکانی؛  
چنان‌که می‌تواند فاقد هر دو باشد؛ مانند حمل موجودیت بر واجب تعالی. بنابراین «نفی  
واسطه در عروض» اعم از نفی واسطه در ثبوت است (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۴۰).

### ۳. معیار عوارض ذاتی در اندیشه‌ی محقق اصفهانی

دیدگاه‌های درباره‌ی معیار عوارض ذاتی در دو دسته کلی می‌گنجد: یکم. دیدگاه‌هایی با  
محوریت واسطه در ثبوت؛ دوم. دیدگاه‌هایی با محوریت واسطه در عروض. دیدگاه‌های محقق  
اصفهانی، به‌ویژه در *نهایه‌الدرایه*، پراکنده است و ضمن ارزیابی دیدگاه دسته‌ی نخست، دیدگاه  
دوم را با مقداری ویرایش می‌پذیرد؛ از این‌رو برای تنظیم و دسته‌بندی دیدگاه‌های محقق  
اصفهانی، می‌کوشیم آن‌ها را با محوریت دو دسته‌ی یادشده تقریب کنیم.

۳.۱. **تقریر و ارزیابی دیدگاه مشهور (محمولات بدون واسطه و با واسطه‌ی مساوی)**  
محقق اصفهانی در گام نخست، به ارزیابی دیدگاه مشهور می‌پردازد. از آنجاکه گذرا آن را  
تقریر کرده، بجاست آن را به‌طور کامل تقریر کنیم، سپس به نقدهای ایشان بپردازیم:  
دیدگاه مشهور، با محوریت واسطه در ثبوت شکل گرفته و خود در پاسخ به پرسش‌های  
پیش‌رو، دیدگاه‌های جزئی‌تری را شامل می‌شود:

۱. آیا عوارض ذاتی فقط شامل محمولات بدون واسطه است، یا محمولات باواسطه را نیز  
در بر می‌گیرد؟ و در صورت اول، آیا عوارض ذاتی، محمولات خارج از ذاتیات موضوع است، یا  
اجزای ذاتی آن را نیز شامل می‌شود؟ در پاسخ به پرسش نخست، غالب اندیشوران متأخر،  
تخصیص عوارض ذاتی به محمولات بی‌واسطه را نمی‌پذیرند که تقریرش در ادامه می‌آید. آن  
دسته از اندیشمندانی که آن را به محمولات بی‌واسطه تخصیص زده‌اند، خود در پاسخ به  
پرسش دوم، چند دسته‌اند:

الف. برخی منطبق‌دانان فقط محمولات بی‌واسطه و خارج از ذاتیات موضوع را عارض ذاتی  
می‌دانند. این دیدگاه برگرفته از سخنان ارسطوست، آنجا که از تعبیر «لواحق لذات الموضوع»  
بهره برده، فلسفه را عهده‌دار بررسی موجود بما هو موجود و لواحق آن به‌خودی‌خود (لواحق  
لذاته) می‌داند (ارسطو، ۱۳۸۹، ص ۸۷). منطبق‌دانان بسیاری نیز این دیدگاه را پذیرفته‌اند؛  
مثلاً سراج‌الدین ارموی نیز از تعبیر «عوارض لاحق لذات الموضوع» بهره می‌برد (ارموی،  
۱۳۹۳، ج ۱، ص ۶۱) که بیانگر عوارض خارج از ذات موضوع است که بی‌واسطه بر آن حمل

## معیار عوارض ذاتی در اندیشه‌ی محقق اصفهانی و علامه طباطبایی ۳۹

می‌شوند. چنان‌که قطب‌الدین رازی نیز آن را همین‌گونه تفسیر می‌کند (رازی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۶۶). تفتازانی نیز پیرو همین دیدگاه است (یزدی، ۱۴۱۲، ص ۱۱۷). ملاعبدالله یزدی این دیدگاه را به ابن‌سینا نسبت داده، تفتازانی را پیرو وی می‌داند (یزدی، ۱۴۱۲، ص ۱۱۸). ابن‌سینا محمولات فلسفه را لواحق برآمده از ذات موجود می‌داند (ابن‌سینا، ۱۳۸۵، ص ۲۲) و از آنجاکه این تعبیر فقط محمولات بی‌واسطه را در بر می‌گیرد، صدرالمتألهین آن‌ها را «محمولات اولی» می‌نامد (صدرالمتألهین، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۱).

ب. فارابی محمولات ذاتی را دو گونه می‌داند: یکم. محمولاتی که خارج از ذات موضوعشان نیستند؛ مانند حیوانیت نسبت به انسان؛ دوم. محمولات خارج از ذات موضوعشان که در آن موجود می‌شوند؛ مانند حرکت و سکون نسبت به جسم (فارابی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۷۵).

ج. علامه طباطبایی ضمن تمایز میان علوم برهانی و علوم غیربرهانی، عوارض ذاتی دسته‌ی اول را محمولات بدون واسطه می‌داند و محمولات باواسطه را عارض غریب می‌شمرد (طباطبایی، بی‌تا، ص ۶؛ صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۳۱، تعلیقه). در نگاه ایشان، محمولات بدون واسطه شامل اجزای ذاتی نمی‌شود (طباطبایی، بی‌تا، ص ۷). تقریر این دیدگاه در ادامه می‌آید.

گفتنی است آن دسته از منطق‌دانانی که عوارض ذاتی را به محمولات بی‌واسطه تخصیص نداده‌اند، «محمولات بی‌واسطه» را «عارض ذاتی اولی» می‌نامند (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۶۰؛ رازی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۶۶).

۱. در صورت شمول عوارض ذاتی به محمولات باواسطه، قلمروی این محمولات تا کجاست؟ آیا فقط محمولات با واسطه‌ی مساوی را در بر می‌گیرد یا محمولات با واسطه‌ی اعم و اخص را نیز شامل می‌شود؟ در پاسخ به این پرسش دیدگاه‌هایی مطرح است:  
الف. منطق‌دانان متأخر فقط محمولات بدون واسطه و با واسطه‌ی داخلی (مساوی یا اعم) و با واسطه‌ی خارجی مساوی را عارض ذاتی می‌دانند، اما محمولات باواسطه‌ی خارجی اخص و اعم را عارض غریب می‌شمارند (رازی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۶۲؛ یزدی، ۱۴۱۲، ص ۱۱۸ و ص ۳۸۷)؛

ب. قطب‌الدین رازی دیدگاه منطق‌دانان متأخر را نپذیرفته، محمولات با واسطه‌ی داخلی اعم را نیز عارض غریب می‌شمارد و فقط محمولات بی‌واسطه و با واسطه‌ی مساوی (داخلی یا خارجی) را عارض ذاتی می‌شمارد (رازی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۶۴). به نظر می‌رسد غالب منطق‌دانان بعدی این دیدگاه را پذیرفته‌اند و به‌همین‌دلیل، ملاعبدالله یزدی آن را مقبول همه می‌داند (یزدی، ۱۴۱۲، ص ۱۱۸).

ج. برخی منطق‌دانان با اینکه همچون دیدگاه پیشین، محمولات با واسطه‌ی اعم (داخلی یا خارجی) را نیز عارض غریب می‌شمارند، اما محمولات با واسطه‌ی خارجی اخص را عارض ذاتی می‌دانند.

د. برخی فیلسوفان نظیر ابن سینا و صدرالمتألهین، ضمن عارض ذاتی انگاری محمولات بی واسطه و با واسطه‌ی مساوی، برخی محمولات با واسطه‌ی اعم (داخلی یا خارجی) و اخص را نیز عارض ذاتی می‌دانند (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۳۳-۳۴؛ صدرالمتألهین، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۱) که تقریرش می‌آید.

اکنون و پس از ترسیم فضای کلی دیدگاه‌ها، از میان این‌ها آنچه مدنظر محقق اصفهانی است، دیدگاه غالب منطق‌دانان متأخر است که عارض ذاتی را محمول بدون واسطه یا با واسطه‌ی مساوی (داخلی یا خارجی) با موضوع می‌دانند. توضیح اینکه، واسطه یا داخلی است یا خارجی و در هر یک، یا مساوی با معروض است، یا اعم، یا اخص، یا مابین؛ بنابراین مجموع عوارض، در مقام تصور، نه قسم است. اما در مقام تصدیق، دو قسم تحقق‌پذیر نیست: الف. واسطه‌ی داخلی اخص؛ ب. واسطه‌ی داخلی مابین؛ زیرا «واسطه‌ی داخلی» جزء معروض است و جزء معروض، یا جنس است یا فصل؛ اولی اعم از معروض و دومی مساوی با آن است؛ بنابراین واسطه‌ی داخلی اخص و مابین وجود ندارد. از میان این‌ها، محمول بدون واسطه و با واسطه‌ی مساوی (داخلی یا خارجی) را عارض ذاتی می‌دانند و محمول با واسطه‌ی داخلی اعم، اختلافی است (رازی، ۱۳۸۶، ص ۷۰؛ یزدی، ۱۴۱۲، ص ۱۱۸). برخی متکلمان (لاهیجی، ۱۴۳۳، ج ۱، ص ۵۲) نیز این دیدگاه را پذیرفته‌اند.

محقق اصفهانی بر این دیدگاه سه اشکال وارد می‌کند:

۱. تخصیص عوارض ذاتی به این‌ها بدون مخصص است؛
  ۲. منطق‌دانان محمول با واسطه‌ی امر اخص و اعم داخلی و خارجی را عرض غریب می‌دانند و از آنجا که اخص و اعم، واسطه در عروض‌اند، بنابراین آن‌ها در واقع نفی واسطه در عروض را ملاک عرض ذاتی می‌دانند؛
  ۳. غالب محمولات علوم به واسطه‌ی امر اخص یا اعم بر موضوع علم بار می‌شود؛ مثلاً در مسأله‌ی «الفاعل مرفوع»، موضوع مسأله (فاعل) اخص از موضوع علم (کلمه) است؛ چنان‌که در «ظاهر الکتاب حجة»، حمل حجیت بر ظاهر کتاب، به واسطه‌ی امر اعم (مطلق ظواهر) است. طبق این معیار، هیچ‌کدام از این‌ها عارض ذاتی نیست، در حالی که غالب مسائل علوم از همین سنخ است (اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۹؛ اصفهانی، ۱۴۱۸، ص ۱۹).
- محقق اصفهانی در ادامه، از میان این‌ها، اشکال سوم را وارد ندانسته، راه‌حل‌های حکیم سبزواری و صدرالمتألهین را تقریر و ارزیابی می‌کند.

### ۳.۱.۱. گونه‌های اعتبار «جنس»

حکیم سبزواری ضمن پذیرش تفسیر عارض ذاتی به «عارض بدون واسطه در عروض»، نحوه‌ی عارض ذاتی بودن محمول نوع برای جنس را با کمک اعتبارات ماهیت، این‌گونه حل می‌کند که جنس را به دو صورت می‌توان لحاظ کرد: الف. لابشرط؛ ب. بشرط لا. اگر جنس را لابشرط لحاظ کنیم، عوارض نوعش، عوارض ذاتی خود جنس نیز است؛ زیرا در این لحاظ،



معیار عوارض ذاتی در اندیشه‌ی محقق اصفهانی و علامه طباطبایی ۴۱

جنس متحد با فصل است و محمولات فصل، محمولات جنس نیز می‌شود. اما اگر آن را بشرط لا اعتبار کنیم، محمولات نوع، محمولات ذاتی جنس نیست (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۳۲، تعلیقه‌ی سبزواری؛ صدرالمتألهین، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۱۰، تعلیقه‌ی سبزواری). محقق اصفهانی این دیدگاه را غریب دانسته، آن را نمی‌پذیرد؛ زیرا عوارض غریب نیز فقط زمانی بر جنس حمل می‌شود که آن را «لابشرط» اعتبار کنیم؛ زیرا در صورت «بشرط‌لا بودن جنس»، هیچ‌گونه محمولی را نمی‌پذیرد؛ بنابراین «لابشرط» بودن جنس برای عارض ذاتی بودن محمول کافی نیست (اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۲۱).

### ۳.۱.۲. عارض ذاتی‌انگاری برخی محمولات اخص

صدرالمتألهین در آغاز، همگام با مشهور منطق‌دانان، عارض بدون واسطه یا با واسطه‌ی مساوی را عارض ذاتی دانسته (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۳۰)، در ادامه، در پاسخ به اشکال پیش‌گفته، برخی محمولات اخص را نیز عارض ذاتی می‌شمارد. وی ضمن نقل و نقد برخی راه‌حل‌ها، خود به اشکال پیشین این‌گونه پاسخ می‌دهد که محمولات نوع دو گونه است: ۱. محمولاتی که عروض آن‌ها بر موضوع اعم (جنس)، فقط پس از تخصیص موضوع اعم میسور است. این محمولات بر موضوع اعم عارض نمی‌شود، مگر بعد از اینکه آن موضوع با یک عارض دیگر تخصیص بخورد و زمینه را برای عروض عارض اخص فراهم کند؛ مانند حیوان که ابتدا باید ناطق شود، سپس ضحک بر او عارض شود؛

۲. گاهی خود عارض اخص، موضوع را تخصیص می‌زند؛ مانند فصل که جنس را تخصیص می‌زند و عروضش بر جنس به عروض عارض قبلی نیازمند نیست. در عروض چنین عارضی نیاز نیست که ابتدا جنس، نوع شود، سپس فصل بر او عارض شود، بلکه خود همین فصل، جنس را نوع می‌کند.

گونه‌ی نخست، عوارض غریب است، اما گونه‌ی دوم، عوارض ذاتی است. به عبارت دیگر، هر عارضی که عروضش بر جنس فقط وقتی سامان پذیرد که عارض دیگری جنس را به نوع تبدیل کند، عارض غریب است، اما هر عارضی که خودش جنس را تبدیل به نوع کند، عارض ذاتی است (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۳۳). این دیدگاه را شاگردش، ملاعبدالرزاق لاهیجی (لاهیجی، ۱۴۳۳، ج ۱، ص ۵۲) نیز می‌پذیرد.

محقق اصفهانی دیدگاه صدرالمتألهین را این‌گونه توضیح می‌دهد که موضوع فلسفه وجود است و به واجب و ممکن تقسیم می‌شود؛ چنان‌که در تقسیمات بعدی، ممکن به جوهر و عرض، و جوهر به عقل، نفس و جسم، و عرض به انواع نه‌گانه منقسم می‌شود. در این میان، عروض واجب و ممکن بر وجود، بدون واسطه است، اما عروض بقیه‌ی محمولات بر وجود، با واسطه‌ی اخص است، اما وجود این واسطه‌های اخص، مانع از ذاتی بودن این اعراض نیست؛ زیرا این محمولات و محمولات آن‌ها همگی با یک وجود موجود است؛ مثلاً ممکن با عین وجود جوهر موجود است، چنان‌که جوهر نیز با عین وجود عقل، نفس و جسم موجود است.

۴۲ فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، دوره ۲۲، سری ۴، زمستان ۱۴۰۱، شماره ۸۵، صص: ۳۳-۵۶

بنابراین از آنجاکه جوهر و ممکن با یک وجود موجودند و نیز عقل و جوهر نیز با یک وجود موجودند، عروض عقل بر جوهر، بسان عروضش بر خود ممکن است و گویا میان آن‌ها واسطه‌ای نیست و فقط یک عروض مطرح است. بنابراین تمام محمولات بر امر اخص، مادامی که آن محمول با آن امر اخص و نیز آن امر اخص با موضوعش (معروض ذوالواسطه) با یک وجود موجود باشند، عارض ذاتی است (اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۲۱-۲۲).

به نظر می‌رسد تقریر محقق اصفهانی از دیدگاه صدرالمتهلین، با تقریر خود صدرالمتهلین متفاوت است که توضیحش در بخش ارزیابی می‌آید.

### ۲.۳. تقریر و ارزیابی دیدگاه نفی واسطه در عروض

دسته‌ی دوم از دیدگاه‌های درباره‌ی عوارض ذاتی، با محوریت واسطه در عروض است. برپایه‌ی این دیدگاه، محمولات بدون واسطه در عروض، عوارض ذاتی است، اعم از اینکه واسطه‌ی در ثبوت داشته باشد یا خیر، در صورت اول، اعم از اینکه آن واسطه، مساوی باشد، یا اعم، یا اخص. محمولات با واسطه نیز عوارض غریب است.

در تقریر این دیدگاه، این پرسش مطرح است که قلمروی محمول بدون واسطه در عروض تا کجاست؟ آیا وجود هرگونه واسطه در عروضی مخل به ذاتی بودن عوارض است؟ حکیم سبزواری میان اقسام واسطه در عروض تفکیک کرده، آن را سه گونه می‌داند: یکم. واسطه‌ی حرکت کشتی برای اسناد حرکت به سرنشین کشتی که چنین اسنادی حقیقی نیست؛ دوم. وساطت سواد در اسناد اسودیت به جسم که چنین اسنادی حقیقی است؛ سوم. جنس و فصل که فصل واسطه‌ی تحصیل جنس است (سبزواری، ۱۳۷۲، ص ۳۳۱؛ صدرالمتهلین، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۳۸-۳۹، تعلیقه‌ی سبزواری؛ سبزواری، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۵۰۴). به باور وی، مقصود از «نفی واسطه در عروض»، نفی قسم اول است (صدرالمتهلین، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۳۲، تعلیقه‌ی سبزواری). به نظر می‌رسد این انگاره صحیح نیست و نمی‌توان حرکت کشتی را مصداق واسطه در عروض دانست، چنان‌که اسناد آن حرکت به سرنشین نیز حقیقی است.

محقق اصفهانی این دیدگاه (نفی واسطه در عروض) را به «اهالی فن معقول» نسبت می‌دهد (اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۹)، اما چنین اسنادی موجه نیست که توضیحش در بخش ارزیابی می‌آید. با این حال، از جمله پیروان این دیدگاه، حکیم سبزواری (صدرالمتهلین، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۳۲، تعلیقه‌ی سبزواری)، صاحب فصول (حائری اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۱۰)، محقق خراسانی (خراسانی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۲۰) و محقق رشتی هستند.

محقق اصفهانی این دیدگاه را در مقایسه‌ی با دیدگاه اول (دیدگاه مشهور)، از دو نظر برتر

می‌داند:

۱. تخصیص عوارض ذاتی به محمولات بدون واسطه یا با واسطه‌ی مساوی (دیدگاه مشهور

منطق دانان)، بدون مخصص است، برخلاف این دیدگاه که چنین تخصیصی را نمی‌پذیرد؛

۲. منطق‌دانان معمول با واسطه‌ی اخص و اعم داخلی و خارجی را عرض غریب می‌دانند و از آنجاکه اخص و اعم، واسطه در عروض‌اند، آن‌ها در واقع نفی واسطه در عروض را ملاک عرض ذاتی قلمداد می‌کنند (اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۹).  
باین‌حال، آن را نپذیرفته، اندکی ویرایش می‌کند که تقریرش در ادامه می‌آید.

### ۳.۳. دیدگاه برگزیده محقق اصفهانی

محقق اصفهانی معیار عارض ذاتی را «نفی واسطه در عروض عرفی» می‌داند. به باور ایشان، واسطه در عروض دو گونه است: گاهی فقط با دقت عقلی می‌توان آن را تشخیص داد، اما گاهی عرف نیز می‌فهمد. به عبارت دیگر، واسطه در عروض که مصحح مجاز است، گاهی مستلزم مجاز عقلی است و گاهی مستلزم مجاز عرفی. آنچه در عارض ذاتی مطرح است، نفی واسطه در عروض عرفی است، گرچه واسطه‌ی عقلی داشته باشد (اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۲۶). واسطه‌ی عقلی را می‌توان به اسناد موجودیت به ماهیت مثال زد که عقل این اسناد را مجازی و مسبوق به اسناد موجودیت به خود وجود می‌داند، اما عرف، موجودیت ماهیت را فاقد واسطه در عروض می‌شمارد.

برپایه‌ی این مقدمه، دیدگاه برگزیده‌ی محقق اصفهانی، ضمن موارد پیش رو ترسیم می‌شود:

۱. عوارض ذاتی موضوعات مسائل، لازم نیست عوارض ذاتی موضوع علم نیز باشد و همین که عارض ذاتی موضوعات خودش باشد، کافی است و علم سامان می‌پذیرد و اینکه گاهی رابطه‌ی معمول با موضوع علم بررسی می‌شود، از این‌روست که گاهی موضوع مسأله همان موضوع علم است که نمونه‌ی آن را می‌توان در دو مسأله‌ی اصالت و تشکیک وجود ملاحظه کرد که موضوع آن‌ها همان موضوع فلسفه است (اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۲۶).

۲. عوارض ذاتی به معنای مصطلح، نه تنها در علوم اعتباری، بلکه حتی در علوم حقیقی نیز شرط نیست. توضیح اینکه، محقق اصفهانی در آغاز، میان فلسفه و سایر علوم تفکیک کرده، راه‌حل صدرالمآله‌یین را ویژه‌ی فلسفه می‌داند، اما در ادامه، نه تنها آن را در سایر علوم می‌پذیرد، بلکه در آن‌ها آسان‌تر می‌داند (اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۲۴-۲۶). گفتنی است که نکته‌ی آغازین ایشان نیز تفکیک میان فلسفه و سایر علوم است، نه تفکیک میان علوم حقیقی و اعتباری؛ زیرا «سایر علوم» شامل علوم حقیقی دیگر نیز می‌شود.

۳. حقیقت علم یک مرکب اعتباری است که براساس وحدت غرض گردآوری شده است. محقق اصفهانی در مسأله‌ی تمایز علوم، میان مقام تعریف و جعل تفکیک می‌کند؛ به این صورت که ملاک تمایز علوم در مقام تعریف، موضوع است و وقتی کسی بخواهد علمی را به دیگران بشناساند، آن را برپایه‌ی موضوعش می‌شناساند و از دیگر علوم متمایز می‌کند؛ زیرا موضوع، جامع ذاتی موضوعات مسائل است، اما غرض امری عرضی است که خارج از علم است و بر مسائل علم مترتب می‌شود و بدیهی است که تعریف با ذاتی بهتر از تعریف با عرضی

۴۴ فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، دوره ۲۲، سری ۴، زمستان ۱۴۰۱، شماره ۸۵، صص: ۳۳-۵۶

است. اما در مقام جعل و گردآوری، معیارش وحدت و تعدد غرض است؛ زیرا اگر برپایه‌ی تمایز موضوعات جعل و گردآوری شود، لازم می‌آید که هر بابی تبدیل به یک علم شود؛ زیرا موضوع هر باب از موضوع باب دیگر متمایز است (اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۳۲). وی در ادامه، این‌گونه پاسخ می‌دهد که موضوعات مسائل، زیرمجموعه‌ی موضوع جامع علم است؛ از این رو تعدد آن‌ها مستلزم تعدد دانش‌ها نیست (اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۳۳).  
حاصل اینکه، محقق اصفهانی ضمن نقد دیدگاه مشهور و دیدگاه محقق خراسانی، دیدگاه دوم را با مقداری تعدیل می‌پذیرد.

#### ۴. معیار عوارض ذاتی در اندیشه‌ی علامه طباطبایی

به باور علامه طباطبایی، تمایز علوم برپایه‌ی تمایز موضوعات آن‌هاست (اصفهانی، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۳۲) و تخصیص محمولات علوم به عوارض ذاتی، امری قراردادی نیست، بلکه رهاورد برهان و یقینی‌بودن مقدمات آن است (طباطبایی، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۳۰)؛ از این رو تمام ویژگی‌های لازم در گزاره‌ی یقینی، در عارض ذاتی نیز شرط است (طباطبایی، بی‌تا، ص ۱۰). توضیح اینکه یقین دو رکن دارد: الف. علم به ثبوت محمول برای موضوع؛ ب. علم به استحاله‌ی سلب محمول از موضوع (فارابی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۶۷؛ ابن‌سینا، ۱۴۰۴، ص ۵۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۷، ص ۴۳). گزاره‌ی یقینی گزاره‌ای است که محمولش کلی، دائمی، ضروری و ذاتی باشد (طباطبایی، ۱۳۹۷، ص ۲۳۳-۲۳۴).

تأمل در عبارات علامه طباطبایی گویای این مطلب است که ایشان در تفسیر عارض ذاتی، دیدگاه نفی واسطه در عروض را می‌پذیرد (طباطبایی، ۱۳۹۷، ص ۲۴۴؛ طباطبایی، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۲۸)، اما با افزودن این مطلب که این معیار یک سلسله‌ویژگی‌ها و لوازمی دارد که دیگر پیروان این دیدگاه به آن‌ها توجه نداشته‌اند. این سلسله‌ویژگی‌ها از این قرار است:

##### ۱.۴. تبعیت از موضوع در وضع و رفع

عارض ذاتی در وضع و رفع، تابع موضوعش است؛ بنابراین با وضع موضوعش، وضع و با رفعش، رفع می‌شود و موضوعش تمام موضوع برای حمل محمول است و محمول حقیقتاً برای خود موضوع ثابت است، نه اینکه برای چیز دیگری ثابت باشد، اما به لحاظ اتحادش با موضوع، بر موضوع نیز حمل شود؛ مثلاً در گزاره‌ی «انسان متعجب است»، «انسان» تمام موضوع برای تعجب است و با چشم‌پوشی از همه‌ی مفاهیم دیگر قابل حمل بر انسان، مانند قائم، قاعد، متکلم و... تعجب بر او حمل می‌شود. برهان بر لزوم این ویژگی این است که اگر با فرض وجود موضوع و انتفای برخی مفاهیم دیگر، محمول از موضوع سلب شود، رکن دوم یقین (علم به استحاله‌ی سلب محمول از موضوع) منتفی می‌شود؛ زیرا موضوع همچنان موجود است، اما گاهی محمول از او سلب می‌شود (در فرض انتفای برخی مفاهیم دیگر). بنابراین گزاره‌ی مزبور یقینی نیست (طباطبایی، بی‌تا، ص ۶؛ طباطبایی، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۳۰).

#### ۲.۴. تساوی با موضوع

عارض ذاتی مساوی با موضوعش است؛ زیرا اگر اعم باشد، خصوصیت مأخوذ در موضوع لغو است؛ مانند ثبوت مشی برای انسان بما هو حیوان و اگر اخص باشد، وضع موضوع برای ثبوت محمول کافی نیست، درحالی‌که برپایه‌ی ویژگی پیشین، معروض باید تمام موضوع برای محمول باشد، نه اینکه جزء موضوع باشد (در فرض اخصیت) یا مفهوم اعم از آن، موضوع باشد (در فرض اعمیت). بنابراین عارض ذاتی همیشه مساوی با موضوع است (طباطبایی، بی‌تا، ص ۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۷، ص ۲۴۷).

به باور علامه طباطبایی، اگر عارض ذاتی از موضوع اخص باشد، آن عارض، با مقابلش، مساوی با موضوع می‌شوند. براین اساس، محمولات فلسفه دو گونه است:

- الف. محمولاتی که به‌تنهایی مساوی با موضوع است؛ مانند اصالت، تشکیک، خارجیت مطلقه، وحدت عام و... که مساوی با موضوع فلسفه (وجود) است؛
- ب. محمولاتی که به‌تنهایی اخص از موضوع است، اما با مقابلش، مساوی با موضوع است؛ مانند خارجیت و ذهنیت، فعلیت و قوه، وجوب و امکان و مانند این‌ها (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۱-۲۳).

#### ۳.۴. استیفای قسمت

صدرالمتألهین عوارض ذاتی را عوارض برآمده از ذات موضوع می‌داند، بدون اینکه نیازمند تخصص استعداد شود و به حیثیتی نظیر ریاضی یا طبیعی بودن متخصص شود. به باور وی، لازم نیست عوارض ذاتی مستوفی قسمت باشد؛ به این معنا که همه افراد موضوع را پوشش بدهد (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۲۸).

علامه طباطبایی این ادعا را نپذیرفته، «استیفای قسمت» را لازمه‌ی «تخصص‌ناپذیری موضوع» می‌داند؛ زیرا معنای تخصص‌ناپذیری موضوع، جوشش محمول از دل موضوع و بی‌نیازی از هرگونه حیثیت تقییدی است و لازمه‌ی این ویژگی، مساوات محمول با موضوع است؛ زیرا چنان‌که گذشت، اگر محمول، اعم یا اخص باشد، از ذات موضوع نجوشیده و نیازمند زدودن قید (در صورت اعمیت)، یا افزودن قید (در صورت اخصیت) است که در هر دو صورت، محمول از ذات موضوع به‌تنهایی برنیامده است. از سوی دیگر، استیفای قسمت نیز ثمره‌ی مساوات است؛ زیرا اگر محمول فقط بخشی از افراد موضوع را پوشش دهد، مساوی با موضوع نخواهد بود (طباطبایی، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۲۸).

#### ۴.۴. حمل بدون واسطه

عارض ذاتی محمول بدون واسطه است؛ چه آن واسطه، اعم باشد، چه اخص، چه مساوی؛ زیرا اگر آن واسطه اعم باشد، خصوصیت مأخوذ در موضوع لغو است و چنین گزاره‌ای در نفس‌الامر کاذب است؛ زیرا در گزاره‌ی «انسان ماشی است»، مشی، با واسطه‌ی حیوانیت برای

۴۶ فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، دوره ۲۲، سری ۴، زمستان ۱۴۰۱، شماره ۸۵، صص: ۳۳-۵۶

انسان ثابت است و آنچه موضوع حقیقی این گزاره را تشکیل می‌دهد، حیوان است، نه انسان. اما اگر آن واسطه مساوی باشد، در واقع خود آن واسطه، موضوع است، نه ذوالواسطه و اگر اخص باشد، اخذ آن خصوصیت اخص در موضوع لازم است و گزاره بدون آن کاذب است (طباطبایی، ۱۳۹۷، ص ۲۴۷؛ طباطبایی، بی‌تا، ص ۶؛ طباطبایی، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۳۱).

#### ۴.۵. عروض عوارض ذاتی بر موضوع علم

عارض ذاتی همان‌گونه که عارض ذاتی برای موضوع مسأله است، عارض ذاتی موضوع علم نیز هست. بنابراین همان‌گونه که موضوع مسأله، عارض ذاتی موضوع علم است، محمول مسأله نیز عارض ذاتی موضوع علم است و هم‌ی عوارض ذاتی مسائل، عوارض ذاتی موضوع علم نیز است (طباطبایی، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۳۲).

#### ۴.۶. اخذ موضوع در حد عارض ذاتی

موضوع در حد عارض ذاتی اخذ می‌شود؛ زیرا مفروض این است که معروض، تمام موضوع محمول است و محمول برایش ثبوت ضروری دارد؛ از این رو موضوع علت وجود محمول است و هر علتی در حد معلولش اخذ می‌شود؛ بنابراین موضوع عارض ذاتی نیز در حدش اخذ می‌شود، چنان‌که در حد محمول عارض ذاتی و نیز محمول محمول عارض ذاتی نیز اخذ می‌شود؛ زیرا چنان‌که در ویژگی پیشین گذشت، عارض ذاتی نیز عارض ذاتی موضوع است و از آنجاکه موضوع در حد عارض ذاتی مأخوذ است، در حد عارض ذاتی نیز مأخوذ خواهد بود (طباطبایی، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۳۱). همچنین از جانب موضوع نیز باید همان‌گونه که خود موضوع در حد عارض ذاتی اخذ می‌شود، موضوع موضوع و موضوع موضوع نیز در حد عارض ذاتی اخذ شود (همان).

نکته‌ی توجه‌برانگیز این است که گاهی گزاره‌ها به صورت عکس‌الحمل به کار می‌رود؛ از این رو باید این نکته را افزود که عارض ذاتی، محمولی است که موضوعش در حدش اخذ می‌شود (در صورت اصل‌الحمل)؛ مانند «الموجود واحد أو کثیر» که موجود در حد واحد و کثیر اخذ می‌شود؛ یا خودش در حد موضوعش اخذ می‌شود (در صورت عکس‌الحمل)؛ مانند «الواجب موجود» که موجود در حد واجب اخذ می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۷).

#### ۴.۷. اختصاص به علوم برهانی

از جمله ویژگی‌های عارض ذاتی در اندیشه‌ی علامه طباطبایی، اختصاص به علوم برهانی و جریان‌نیافتنش در علوم اعتباری است که ضمن نکات پیش رو تقریر می‌شود:

۱. منشأ عارض ذاتی با ویژگی‌های پیشین، یقینی‌بودن گزاره است و همه‌ی ویژگی‌های مزبور رهاورد همین ویژگی است (طباطبایی، بی‌تا، ص ۱۰)؛
۲. گزاره‌های اعتباری، گزاره‌هایی است که محمولات آن‌ها اعتباری باشد؛ چه موضوعات آن‌ها نیز اعتباری باشد، چه حقیقی. محمولات اعتباری تابع اعتبار‌کننده است و واقعیت

معیار عوارض ذاتی در اندیشه‌ی محقق اصفهانی و علامه طباطبایی ۴۷

خارجی ندارد و فقط در ظرف اعتبار واقعیت دارد؛ بنابراین با وضع موضوع، وضع نمی‌شود (طباطبایی، بی‌تا، ص ۱۰-۱۱). وقتی این ویژگی عارض ذاتی منتهی باشد، محمولات اعتباری «عارض ذاتی» نیست (طباطبایی، بی‌تا، ص ۱۰)؛

۳. از آنجاکه محمولات گزاره‌هایی اعتباری است عارض ذاتی موضوعاتش نیست و از آنجاکه برپایه‌ی مقدمه‌ی اول، محمول هر گزاره‌ی یقینی عارض ذاتی موضوعش است، این نتیجه حاصل می‌شود که گزاره‌های اعتباری یقینی نیست و برهان در آن راه ندارد. این نتیجه در واقع عکس نقیض مقدمه‌ی نخست است که با افزودن مقدمه‌ی دوم، درباره‌ی گزاره‌های اعتباری صدق می‌کند (طباطبایی، بی‌تا، ص ۱۰-۱۱)؛

۴. به باور علامه طباطبایی، در علوم اعتباری نه‌تنها عارض ذاتی بودن محمولات، به معنای مدنظر ایشان، لازم نیست، بلکه حتی نفی واسطه در عروض نیز لازم نیست، چنان‌که مساوات با موضوع نیز شرط نیست و محمولات آن‌ها می‌تواند اعم یا اخص مطلق یا من‌وجه باشد (طباطبایی، بی‌تا، ص ۱۱-۱۲)؛

۵. علوم اعتباری به «موضوع جامع» نیاز ندارد؛ باین‌حال ممکن است وحدت غرض را ثمره‌ی وحدت مسائل بدانیم که کاشف از وحدت موضوعات آن‌ها در یک موضوع جامع است (طباطبایی، بی‌تا، ص ۱۲)؛

۶. در علوم اعتباری لازم نیست نسبت موضوعات مسائل با موضوع علم، نسبت افراد حقیقی با کلی حقیقی باشد (طباطبایی، بی‌تا، ص ۱۲).  
این‌ها مؤلفه‌های شاخص عارض ذاتی در اندیشه‌ی علامه طباطبایی است.

## ۵. مقایسه و ارزیابی دیدگاه محقق اصفهانی و علامه طباطبایی

### ۵.۱. مقایسه

اشتراک و تمایز این دو دیدگاه در ضمن این موارد ارائه می‌شود:

۱. لزوم بحث از عوارض ذاتی در علوم، از جمله نکات اختلافی است: علامه طباطبایی میان علوم برهانی و غیربرهانی تفکیک کرده، تخصیص محمولات به عوارض ذاتی را ویژه‌ی اولی می‌داند (طباطبایی، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۳۲؛ طباطبایی، بی‌تا، ص ۱۰-۱۱)؛ در حالی که محقق اصفهانی حتی در علوم برهانی نیز بحث از عوارض ذاتی مصطلح را ضروری نمی‌داند (اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۲۴-۲۶)؛

۲. محقق اصفهانی و علامه طباطبایی در پذیرش فی‌الجمله‌ی معیار «نفی واسطه در عروض» اتفاق نظر دارند. تفاوتشان در این است که اولاً علامه طباطبایی میان علوم برهانی و غیربرهانی تفکیک کرده، در علوم غیربرهانی، حتی نفی واسطه در عروض را لازم نمی‌داند (طباطبایی، بی‌تا، ص ۱۱-۱۲)، برخلاف محقق اصفهانی که چنین تفکیکی نمی‌کند؛ ثانیاً محقق اصفهانی آن را خصوص «نفی واسطه در عروض عرفی» می‌داند (اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۱،

۴۸ فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، دوره ۲۲، سری ۴، زمستان ۱۴۰۱، شماره ۸۵، صص: ۳۳-۵۶

ص ۲۶)، درحالی که علامه طباطبایی مجموعه ویژگی‌های پیش گفته را در علوم برهانی مطرح کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۷، ص ۲۴۴؛ طباطبایی، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۲۸)؛ بنابراین هریک به نوعی آن را ویرایش کرده‌اند؛

۳. مسأله‌ی معیار تمایز علوم، از دیگر نقاط اختلافی این دو دیدگاه است: محقق اصفهانی بدون تفکیک میان علوم برهانی و غیربرهانی، میان مقام تعریف و جعل تفکیک کرده، ملاک تمایز علوم در مقام تعریف را موضوع و در مقام جعل، غرض می‌داند (اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۳۲). علامه طباطبایی ضمن تفکیک علوم برهانی از غیربرهانی، تمایز علوم برهانی را برپایه‌ی تمایز موضوعات دانسته (طباطبایی، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۳۲)، معیار وحدت و تعدد علوم غیربرهانی را وحدت و تعدد غرض می‌داند (طباطبایی، بی تا، ص ۱۲)؛

۴. به باور محقق اصفهانی، لازم نیست عوارض ذاتی موضوعات مسائل، عوارض ذاتی موضوع علم نیز باشد (اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۲۶)، اما به باور علامه طباطبایی، عارض ذاتی همان گونه که عارض ذاتی برای موضوع مسأله است، عارض ذاتی موضوع علم نیز است (طباطبایی، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۳۲).

## ۵. ۲. ارزیابی

### ۵. ۲. ۱. ارزیابی دیدگاه محقق اصفهانی

در ارزیابی این دیدگاه، نکاتی گفتنی است:

۱. در سخنان محقق اصفهانی، «عارض منتزع از مقام ذات» دیدگاه مشهور منطق دانان معرفی شده است (اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۹)؛ درحالی که اولاً در سخنان منطق دانان چنین دیدگاهی نیست، بلکه آن‌ها عارض ذاتی را محمول بدون واسطه یا با واسطه‌ی مساوی می‌دانند (رازی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۶۲؛ یزدی، ۱۴۱۲، ص ۱۱۸ و ص ۳۸۷)؛ بله! برخی منطق دانان از تعبیر «محمول لاحق بر موضوع لذاته» بهره برده‌اند (یزدی، ۱۴۱۲، ص ۱۱۷)، اما شارحان به این تعبیر ایراد گرفته‌اند، به این صورت که شامل محمول باواسطه نمی‌شود (همان، ص ۱۱۸ و ۳۸۷). حتی این تعبیر نیز پذیرفتنی‌تر از تعبیر محقق اصفهانی است؛ زیرا این تعبیر را این گونه می‌توان توجیه کرد که خود ذات، پذیرنده محمولات ذاتی است، اما به نظر می‌رسد تعبیر محقق اصفهانی توجیه پذیر نیست؛

ثانیاً در سخنان محقق اصفهانی میان «عارض ذاتی در مقابل عارض غریب» و «عارض ذاتی در مقابل محمول بالضمیمه» خلط شده است (اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۹). آنچه ایشان آن را عارض ذاتی نامیده، محمول بالضمیمه است که در مقابل محمول بالضمیمه قرار دارد؛

ثالثاً محقق اصفهانی در اینجا ناظر به دو کتاب *سفار و کفایه* است، اما در این دو کتاب نیز مطلب مشارالیه آمده، نه آنچه ایشان به منطق دانان نسبت می‌دهد.



ممکن است گفته شود اساساً محقق اصفهانی ناظر به نقل دیدگاه مشهور نیست. پاسخ این است که توجیحات اشکال مذکور در کلام ایشان، خود گواه بر نفی این انگاره است.

۲. محقق اصفهانی در مقام جعل، ملاک تمایز علوم برپایه‌ی تمایز موضوعات را به پیروی از محقق خراسانی (خراسانی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۲۱)، این‌گونه نقد می‌کند که لازمه‌اش مبدل شدن هر باب به یک علم است (اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۳۲). اما این اشکال بر نظریه‌ی برگزیده خودش نیز وارد است؛ زیرا غرض هر باب با غرض دیگر ابواب تفاوت دارد. هر پاسخی که ایشان به این اشکال بدهد، آن دیدگاه نیز می‌دهد. به نظر می‌رسد به هر دو اشکال می‌توان این‌گونه پاسخ داد که غرض ابواب، زیرمجموعه‌ی غرض کلی علم است، چنان‌که موضوعات ابواب نیز زیرمجموعه‌ی موضوع جامع علم است؛ بنابراین همان‌گونه که وحدت علم برپایه‌ی وحدت غرض کلی ترسیم می‌شود و اغراض جزئی تا زمانی که زیرمجموعه‌ی یک غرض کلی تر باشد، باعث تعدد علم نمی‌شود، موضوع علم نیز برپایه‌ی وحدت موضوع جامع است و موضوعات جزئی نیز تا زمانی که زیرمجموعه‌ی یک موضوع کلی تر باشد، باعث تعدد علم نمی‌شود.

۳. با تأمل در سخنان صدرالمتألهین آشکار می‌شود که تقریر محقق اصفهانی از دیدگاه صدرالمتألهین با تقریر خود وی متفاوت است: محور تقریر محقق اصفهانی، تحقق موضوع و محمول با وجود واحد است (اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۲۱-۲۲)، اما محور تقریر صدرالمتألهین، بی‌نیازی از عروض عارض پیشین زمینه‌ساز عارض بعدی و منوع جنس است (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۳۳). ثمره‌ی این تمایز در تقسیمات ثالث و رابع آشکار می‌شود؛ زیرا نخستین واسطه‌ی میان موضوع علم و محمول مسأله می‌تواند نوع باشد، اما واسطه‌ی دوم، نوع نیست، بلکه صنف است. تقریر صدرالمتألهین فقط حالت نخست را پوشش می‌دهد، اما تقریر محقق اصفهانی همه‌ی حالت‌ها را در بر می‌گیرد.

۴. تقریر محقق اصفهانی از دیدگاه صدرالمتألهین با این اشکال مواجه است که از یک سو، ظرف و ملاک عروض، ذهن است، بنابراین تعدد وجود نیز ناظر به همین ظرف است و بدیهی است که جوهر و ممکن و دیگر عوارض تحلیلی با اینکه در ظرف خارج با یک وجود موجودند، اما در ظرف ذهن تعدد وجودی دارند؛ چنان‌که از سوی دیگر، میان آن‌ها ترتب برقرار است؛ زیرا در گام نخست، موجود به ممکن و واجب تقسیم می‌شود، سپس ممکن به جوهر و عرض و جوهر به اقسام پنج‌گانه و عرض به اقسام نه‌گانه‌اش منقسم می‌شود؛ بنابراین میان آن‌ها ترتب در عروض مطرح است و نمی‌توان آن‌ها را با حذف ترتب، محمولات مقسم نخست (موجود) قرار داد تا محمول بدون واسطه‌ی آن باشد. حاصل اینکه، ادعای تحقق آن‌ها با وجود واحد صحیح نیست و نمی‌توان آن‌ها را با این توجیه، عوارض ذاتی دانست. محقق اصفهانی این‌گونه به این اشکال پاسخ می‌دهد که این عوارض تحلیلی همان‌گونه که از وجود نفسی واحدی برخوردارند و همگی در خارج با یک وجود موجودند و نیز وجود ربطی آن‌ها

یکی است و همگی از یک ثبوت ربطی (وجود للموضوع) برخوردارند، همچنین در ظرف فرض و ذهن نیز با یک فرض موجود است؛ زیرا فرض ممکن همان فرض جوهریت و جسمیت است، همان گونه که فرض انسان، همان فرض حیوان ناطق است (اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۲۳).  
به نظر می‌رسد راه حل محقق اصفهانی تکلفی غیر لازم است؛ زیرا از یک سو، ادعای تحقق این مفاهیم با وجود ذهنی واحد، ادعایی بدون دلیل است، بلکه این مفاهیم در ظرف ذهن کثرت دارد و کثرت مفهومی همان تعدد وجود ذهنی آن‌هاست؛ از دیگر سو، به نظر می‌رسد محقق اصفهانی باید به جای تأکید بر وحدت وجود ذهنی، بر وحدت وجود خارجی این مفاهیم تأکید می‌کرد؛ به این صورت که ملاک وحدت و تعدد را وجود خارجی این مفاهیم قلمداد می‌کرد. بدیهی است که این مفاهیم در خارج با یک وجود موجودند، برخلاف مفهوم بیاض با جدار که با دو وجود موجودند.

## ۵. ۲. ۲. ارزیابی دیدگاه علامه طباطبایی

در ارزیابی دیدگاه علامه طباطبایی، نکاتی توجه برانگیز است:

۱. علامه طباطبایی میان «عارض ذاتی در مقابل عارض غریب» و «ذاتی باب برهان» پیوند تنگاتنگی برقرار کرده، اولی را معلول دومی می‌داند و در نتیجه، با بهره‌گیری از ذاتی و یقینی بودن مقدمات برهان، مؤلفه‌های اولی را ترسیم می‌کند، اما به نظر می‌رسد نباید این دو را با یکدیگر گره زد؛ زیرا ابن‌سینا نکته‌ی اصلی در اشتراط ذاتی بودن محمولات در مقدمات برهان را علیت برای نتیجه‌ی برهان می‌داند و در ادامه تصریح می‌کند که این مسأله به برهان لمی اختصاص ندارد (ابن‌سینا، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۱۲۵). از اینجا آشکار می‌شود که مقصودش علیت برای تصدیق و علم به نتیجه است و این شرط به بین بودن محمول برای موضوعش بازمی‌گردد؛ بنابراین لازم نیست که محمول نتیجه نیز همانند محمول مقدمات، برای موضوع ذاتی باشد. این مطلب با این مسأله که در علوم از عوارض ذاتی موضوع بحث می‌شود، متفاوت است؛ زیرا مسأله‌ی دوم از تمایز علوم و مرزبندی آن‌ها سرچشمه می‌گیرد. گواه بر این تفکیک، این است که به باور اهل منطق، وقتی جنس موضوع در تعریف محمول اخذ می‌شود، نباید این جنس از موضوع علم فراتر رود. این یک قرارداد است، وگرنه در برهان و شرایط آن چنین قیودی نداریم. ابن‌سینا تصریح دارد که اگر محمولی از موضوع علم فراتر برود، ذاتی نخواهد بود و مربوط به آن علم نیست، اما آیا می‌توانیم بگوییم اگر محمول از موضوع علم فراتر شد، دیگر اصلاً به درد برهان نمی‌خورد؟ خیر؛ چون بالاخره آن محمول به علم دیگری مربوط می‌شود و ممکن است کسی در آن علم، از راه همین محمول یقین پیدا کند. پس این شرط را نمی‌توان از شرایط برهان قرار داد که محمول باید ذاتی موضوع علم باشد (ابن‌سینا، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۱۲۵؛ مصباح‌یزدی، ۱۳۹۸، ج ۱-۲، ص ۴۳۳).

۲. علامه طباطبایی عارض ذاتی را محمول بدون واسطه دانسته، اعم یا اخص بودن واسطه را محل به عارض ذاتی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۷، ص ۲۴۷؛ طباطبایی، بی‌تا، ص ۶؛

معیار عوارض ذاتی در اندیشه‌ی محقق اصفهانی و علامه طباطبایی ۵۱

طباطبایی، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۳۱). به نظر می‌رسد این دیدگاه با این اطلاقش صحیح نیست و لازم است همچون صدرالمتهلین، میان دو گونه محمولات اخص تفکیک برقرار کند: هر عارضی که عروضش بر جنس فقط وقتی سامان پذیرد که عارض دیگری جنس را به نوع تبدیل کند، عارض غریب است، اما هر عارضی که خودش جنس را تبدیل به نوع کند، عارض ذاتی است (صدرالمتهلین، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۳۳)؛ زیرا لازمه‌ی فرمایش علامه طباطبایی که عروض محمول اخص را متوقف بر تقید موضوع می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۷، ص ۲۴۷؛ طباطبایی، بی‌تا، ص ۶؛ طباطبایی، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۳۱)، وقوع تسلسل است؛ زیرا عروض همان قید مخصص نیز به قید مخصص دیگری نیازمند است و این سلسله ادامه می‌یابد. استاد جوادی‌آملی ضمن پذیرش این اشکال، مدعی است که دقت صدرالمتهلین از نظر علامه طباطبایی مستور مانده، اما گویا بعداً در این دیدگاهش تجدیدنظر کرده است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۲۴-۲۲۵)، اما ایشان عبارت دال بر تجدیدنظر را ذکر نکرده است.

۳. به نظر می‌رسد استدلال علامه طباطبایی بر عارض ذاتی نبودن محمول اعم صحیح نیست؛ زیرا محمول اعم با اینکه با رفع موضوع نیز صادق است، اما از آنجاکه با وضع موضوع وضع می‌شود، ثبوتش برای موضوع اخص یقینی است و بدیهی است که ثبوتش برای غیرموضوع، به یقینی بودن ثبوتش برای موضوع آسیب نمی‌زند.

۴. به نظر می‌رسد میان دو ویژگی «حمل بدون واسطه» و «عروض عوارض ذاتی بر موضوع علم» ناسازگاری درونی وجود دارد؛ زیرا لازمه‌ی ویژگی دوم پذیرش واسطه میان موضوع علم و محمول مسأله است.

۵. ویژگی تساوی عارض ذاتی با موضوع نیز تأمل برانگیز است؛ زیرا مثلاً تساوی با دو قائمه که از عوارض ذاتی مثلث است، اعم از آن است و در زوایای خارج از متوازی‌بین هم صادق است. طبق ملاک مذکور، این محمول عارض ذاتی در هندسه نیست، در حالی که جای دیگری برای طرح آن نیست و در هندسه از آن بحث می‌کنند. علاوه بر این‌ها، همه‌ی علمای منطق گفته‌اند ذاتی برهان اعم از ذاتی باب ایساغوجی است و شامل آن هم می‌شود. پس جنس و فصل هم ذاتی باب برهان محسوب می‌شوند و می‌دانیم که جنس نسبت به نوع اعم است، پس لازم نیست ذاتی باب برهان مساوی موضوع باشد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۸، ج ۱-۲، ص ۴۳۱). حاصل اینکه، تفکیک علامه میان علوم برهانی و غیربرهانی کاملاً موجه است، اما اشتراط ویژگی‌های مذکور لازم نیست، بلکه تا زمانی که ثبوت محمول برای موضوع، حقیقی باشد و نیازمند واسطه در عروض نباشد، عارض ذاتی است.

## ۶. نتیجه‌گیری

از رهگذر این جستار، امور پیش رو استنتاج می‌شود:

۱. محقق اصفهانی معیار عارض ذاتی را «نفی واسطه در عروض عرفی» می‌داند.

۵۲ فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، دوره ۲۲، سری ۴، زمستان ۱۴۰۱، شماره ۸۵، صص: ۳۳-۵۶

۲. به باور علامه طباطبایی، تخصیص محمولات علوم به عوارض ذاتی، قراردادی نیست، بلکه رهاورد برهان و نتیجه‌ی یقینی بودن مقدمات برهان است؛ بنابراین عارض ذاتی اولاً در وضع و رفعش تابع وضع و رفع موضوعش است؛ ثانیاً با موضوعش مساوی است؛ ثالثاً مستوفی است؛ رابعاً محمول بدون واسطه است؛ خامساً عارض ذاتی موضوع مسأله، عارض ذاتی موضوع علم نیز است؛ سادساً موضوع در حد عارض ذاتی اخذ می‌شود؛ سابقاً و ویژه‌ی علوم برهانی است؛

۳. محقق اصفهانی و علامه طباطبایی در پذیرش فی‌الجمله‌ی معیار «نفی واسطه در عروض» اتفاق نظر دارند، اما هر یک به نحوی به ویرایش این معیار می‌پردازند؛  
۴. علامه طباطبایی با غفلت از دقت صدرالمتألهین در تفکیک میان انواع محمولات اخص، اعم یا اخص بودن واسطه را مخل به عارض ذاتی می‌داند، در حالی که برخی محمولات اخص، عارض ذاتی‌اند.

## منابع

۱. ابن‌سینا، (۱۳۷۵)، *الاشارات والتنبیهات*، قم: نشر بلاغت.
۲. ابن‌سینا، (۱۳۸۵)، *الالهیات من کتاب الشفاء*، تصحیح و تحقیق علامه حسن‌زاده‌آملی، چ دوم، قم: بوستان کتاب.
۳. ابن‌سینا، (۴۰۵ق)، *الشفاء (المنطق)*، تحقیق سعید زاید، قم: مکتبه‌ی آیه‌الله المرعشی.
۴. ارسطو، (۱۳۸۹)، *متافیزیک (مابعدالطبیعه)*، ترجمه‌ی شرف‌الدین خراسانی، چ پنجم، تهران: انتشارات حکمت.
۵. ارموی، سراج‌الدین، (۱۳۹۳)، «مطالع الانوار» در ضمن: *لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار*، تصحیح و تحقیق و تعلیقات ابوالقاسم روحانی، تهران: مؤسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه‌ی ایران.
۶. اسدپور، اکبر؛ فیروزجایی، یارعلی‌کرد، (۱۳۹۸)، «بررسی دیدگاه علامه طباطبایی و استاد مصباح‌یزدی درباره‌ی عوارض ذاتی»، *آیین حکمت*، شماره ۳۹، صص ۷۸-۵۵.
۷. اسماعیلی، محمدعلی، (۱۳۹۷)، *شرح رساله‌ی البرهان*، قم: مرکز ترجمه و نشر المصطفی.
۸. اصفهانی، محمدحسین، (۴۱۸ق)، «الأصول علی النهج الحدیث» در: *بحوث فی الاصول*، چ سوم، قم: مؤسسه‌ی نشر اسلامی.
۹. اصفهانی، محمدحسین، (۴۲۹ق)، *نهایه‌ی الدرایه فی شرح الکفایه*، چ دوم، قم: مؤسسه‌ی آل‌البیت (ع).
۱۰. حائری اصفهانی، محمدحسین بن عبدالرحیم، (۴۰۴ق)، *الفصول العرویه فی الاصول الفقهیة*، قم: دار احیاء العلوم الاسلامیه.

معیار عوارض ذاتی در اندیشه‌ی محقق اصفهانی و علامه طباطبایی ۵۳

۱۱. حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۳۰ق)، *الجواهر النضید*، تحقیق محسن بیدارفر، چ چهارم، قم: بیدار.
۱۲. رازی، قطب‌الدین، (۱۳۸۶)، *تحریر القواعد المنطقية فی شرح الشمسية*، تصحیح محسن بیدارفر، چ چهارم، قم: انتشارات بیدار.
۱۳. رازی، قطب‌الدین، (۱۳۹۳)، *لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار*، تصحیح و تحقیق و تعلیقات ابوالقاسم روحانی، تهران: مؤسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
۱۴. سبزواری، ملاهادی، (۱۳۷۲)، *شرح الأسماء الحسنی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. سبزواری، ملاهادی، (۱۳۸۴)، *شرح المنظومة*، چ سوم، تهران: نشر ناب.
۱۶. سهروردی، شهاب‌الدین، (۱۳۷۵)، *مجموعه مصنفات شیخ اشراق*، تصحیح و مقدمه‌ی هانری کرین، سیدحسین نصر و نجفقلی حبیبی، چ دوم، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۷. صدرالمتألهین، محمدبن ابراهیم، (۱۳۷۸)، *«المسائل القدسیة»* در: *سه رساله‌ی فلسفی*، مقدمه و تصحیح و تعلیق سیدجلال‌الدین آشتیانی، چ سوم، قم: بوستان کتاب.
۱۸. صدرالمتألهین، محمدبن ابراهیم، (۱۳۸۲)، *تعلیق‌های الهیات شفا*، مقدمه و تصحیح و تعلیق نجفقلی حبیبی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۱۹. صدرالمتألهین، محمدبن ابراهیم، (۱۴۱۷ق)، *الشواهد الربوبية فی المناهج السلوکیة*، بیروت: مؤسسه‌ی تاریخ العربی.
۲۰. صدرالمتألهین، محمدبن ابراهیم، (۱۹۸۱)، *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة*، چ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۸۵)، *نهایة الحکمة*، تصحیح و تعلیقات غلامرضا فیاضی، چ سوم، قم: مؤسسه‌ی آموزشی امام خمینی.
۲۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۹۷)، *رسالة البرهان*، حقها و شرحها محمدعلی اسماعیلی، قم: مرکز ترجمه و نشر المصطفی.
۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۹۸۱)، *«تعلیق‌های اسفار»* در: *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة*، چ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (بی تا)، *حاشیة الکفایة*، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
۲۵. طوسی، نصیرالدین، (۱۳۷۵)، *شرح الاشارات و التنبیهات مع المحاکمات*، قم: نشر البلاغة.
۲۶. فارابی، ابونصر، (۱۴۰۸ق)، *المنطقیات*، قم: مکتبه‌ی آیه‌الله المرعشی.
۲۷. فیاضی، غلامرضا، (۱۳۹۰)، *هستی و چیستی در مکتب صدرايي*، چ سوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۵۴ فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، دوره ۲۲، سری ۴، زمستان ۱۴۰۱، شماره ۸۵، صص: ۳۳-۵۶

۲۸. لاهیجی، عبدالرزاق، (۱۴۳۳ق)، *سوارق الالهام فی شرح تجرید الکلام*، چ سوم، قم: مؤسسه‌ی امام صادق.

۲۹. مصطفوی‌فرد، حامد، (۱۳۹۵)، «سیر تطور الگوهای تمایز علوم در اندیشه‌ی متفکران مسلمان»، *پژوهش‌های فلسفی*، شماره ۱۸، صص ۱۲۵-۱۵۲.

۳۰. ملایری، موسی، (۱۳۹۶)، «تطور تاریخی نگرش‌ها در مسأله‌ی عوارض ذاتی از ملاصدرا تا محقق رشتی»، *تاریخ فلسفه*، شماره ۲۹، صص ۱۲-۱۴۸.

۳۱. یزدی، ملاعبدالله، (۱۴۱۲ق)، *الحاشیة علی تهذیب المنطق*، چ دوم، قم: مؤسسه‌ی النشر الاسلامی.

## References

1. Aristotle, (2010), *Metaphysics*, Translated by Sharafuddin Khorasani, 5<sup>th</sup> Edition, Tehran: Hekmat Publications. [In Persian]
2. Asadpour, Akbar; Firouzjaei, Yar Ali Kurd, (2019), "Evaluation of Allameh Tabatabai's and Misbah Yazdi's views on essential accidents", *Ayin Hikmat*, Vol. 39, pp. 55-78. [In Persian]
3. Ermoi, Sirajuddin, (2014), *The Study of Al-Anwar: Lawa'am al-Asrar Fi Sharhe Matale Al-Anwar*, Correction, Research and Notes by Abolqasem Rouhani, Tehran: Research Institute of Hikmat and Philosophy of Iran. [In Persian]
4. Esfahani, Mohammad Hossein, (1997), "Al-Usul Ali al-Nahj Al-Hadith" in: *Bohus fi al-Usul*, 3<sup>rd</sup> Edition, Qom: Islamic Publication Institute. [In Arabic]
5. Esfahani, Mohammad Hossein, (2008), *Nahaye al-Daraiya fi Sharh al-Kufayah*, 2<sup>nd</sup> econd Edition, Qom: Al-Al-Bayt Institute (A.S.). [In Arabic]
6. Esmaili, Mohammad Ali, (2018), *Commentary on Risal al-Borhan*, Qom: Al-Mustafa Translation and Publishing Center. [In Persian]
7. Farabi, Abu Nasr, (1987), *al-Manteghiat*, Qom: Ayatollah Al-Marashi Maktabah, first edition. [In Arabic]
8. Fayazi, Gholamreza, (2011), *Existence and nature in the Sadraei School*, 3<sup>rd</sup> Edition, Qom: University and Religious school Research Institute. [In Persian]
9. Haeri Esfahani, Muhammad Hossein ibn Abd al-Rahim, (1983), *al-Fusul al-Gharwiyyah fi Usul al-Fiqhiyyah*, Qom: Dar Ihya Uloom al-Islamiyya. [In Arabic]
10. Heli, Hasan bin Yusuf, (2008), *Al-Jawhar al-Nazid*, Research by Mohsen Bidarfar, 4<sup>th</sup> edition, Qom: Bidar. [In Arabic]
11. Ibn Sina, (1984), *al-Shifa, al-Mantigh*, Researched by Saeed Zayed, Qom: Ayatollah al-Marashi's school. [In Arabic]
12. Ibn Sina, (1996), *Al-Esharat Valtanbihat*, Qom: Balaghat Publishing House. [In Persian]
13. Ibn Sina, (2006), *Al-Ellahiat Men Ketabe Al-Shafa*, Edited and Researched by Allameh Hassanzadeh Amoli, 2<sup>nd</sup> Edition, Qom: Bostan Kitab. [In Persian]

14. Lahiji, Abd al-Razzaq, (2011), *Shbsrrq al-Ilham fi Sharh Tajrid Al- Kalam*, 3<sup>rd</sup> Edition, Qom: Institute of Imam Sadiq (A.S.). [In Arabic]
15. Mostafavi Fard, Hamed, (2016), "Evolution of the patterns of differentiation of sciences in the thought of Muslim thinkers", *Philosophical Research*, No.18, pp. 125-152. [In Persian]
16. Malairi, Musa, (2017), "Historical evolution of attitudes on the problem of essential accidents from Mulla Sadra to Mohaghegh Rashti", *Philosophy History*, No. 29, pp. 12-148. [In Persian]
17. Razi, Qutb al-Din, (2007), *Tahrir al-Qavaed al-Loggiyyah fi Sharh al-Shamsiya*, Edited by Mohsen Bidarfar, 4<sup>th</sup> Edition, Qom: Bidar Publications. [In Persian]
18. Razi, Qutb al-Din, (2014), *Lavame al-Asrar Fi Sharhe Matale Al-Anwar*, Corrections, Research and Notes by Abolqasem Rouhani, Tehran: Research Institute of Hikmat and Philosophy of Iran. [In Persian]
19. Sabzevari, Mollahadi, (1993), *Sharhol Al-Asma al-Hasani*, Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
20. Sabzevari, Mollahadi, (2005), *Sharh al-Manzume*, 3<sup>rd</sup> Edition, Tehran: Nab Publishing House. [In Persian]
21. Sadr al-Mutalahin, Muhammad ibn Ibrahim (Mulla Sadra), (1996), *al-Shawahid al-Rabbiyyah in Al-Manahij al-Al-Solukiye*, Beirut: Al-Tarikh Al-Arabi Foundation. [In Arabic]
22. Sadr al-Mutalahin, Muhammad ibn Ibrahim (Mulla Sadra), (1999), *Al-Masal al-Qudsiyyah*, in: *Three Philosophical Treatises*, Introduction and Correction by Seyyed Jalaluddin Ashtiani, 3<sup>rd</sup> Edition, Qom: Bostan Kitab. [In Persian]
23. Sadr al-Mutalahin, Muhammad ibn Ibrahim (Mulla Sadra), (1981), *Al-Hikmah al-Muttaaliyyah fi al-Asfar al-Aqliyyah al-Arbaa*, 3<sup>rd</sup> Edition, Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]
24. Sadr al-Mutalahin, Muhammad ibn Ibrahim (Mulla Sadra), (2003), *Taalighe Elahiat Shafa*, Introduction and Correction by Najafqoli Habibi, Tehran: Sadra Islamic Wisdom Foundation. [In Persian]
25. Suhrawardi, Shahabuddin, (1996), *Collection of works of Sheikh Ashraq*, Corrections and Introductions by Henry Carbon; Seyyed Hossein Nasr and Najafqoli Habibi, 2<sup>nd</sup> Edition, Tehran: Institute of Cultural Studies and Research. [In Persian]
26. Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein, (n.d), *Hashiya Al-Kafaya*, Qom: Allameh Tabatabai Scientific and Intellectual Foundation. [In Persian]
27. Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein, (1981), *Asfar's Talighe*, in: *Al-Hikmah al-Muttaaliyyah fi al-Asfar al-Aqliyyah al-Rabae*, 3<sup>rd</sup> Edition, Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi.
28. Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein, (2006), *Nahayeh al-Hakma*, corrections and added by Gholamreza Fayazi, 3<sup>rd</sup> Edition, Qom: Imam Khomeini Educational Institute. [In Persian]

۵۶ فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، دوره ۲۲، سری ۴، زمستان ۱۴۰۱، شماره ۸۵، صص: ۳۳-۵۶

---

29. Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein, (2018), *Al-Barhan Thesis*, Haghaghaha va Sharaha: Mohammad Ali Esmaili, Qom: Al-Mustafa Translation and Publishing Center. [In Persian]

30. Tusi, Nasir al-Din, (1996), *Sharh al-Asharat and Tanbihat Mae Al-Muhamakamat*, Qom: Nashr al-Balagha. [In Persian]

31. Yazdi, Mullah Abdallah, (1991), *Al-Hashiya Ala Tahzib al-Mantigh*, 2<sup>nd</sup> Edition, Qom: Al-Nashar al-Islami Institute. [In Arabic]